

گزارش:

## کنگرهء جهانی علیه نژادپرستی (دوربان، سپتامبر ۲۰۰۱)

سمیر امین

Samir Amin\*

کنگرهء جهانی علیه نژادپرستی که در سپتامبر ۲۰۰۱ در دوربان (آفریقای جنوبی) برگزار شد حادثهء ای ست که اهمیت خود را در چشم اندازهایی که می گشاید نشان می دهد. احساس ما در دوربان این بود که نسیم همبستگی خلق های آسیا - آفریقا از نو وزیدن گرفته است. بازسازی این همبستگی یکی از شرایط اصلی و شاید عمدهء ایجاد نظامی جهانی ست که عادلانه تر از نظامی باشد که هفت کشور صنعتی بزرگ (G7) و ارباب آمریکای شمالی شان می خواهند به هر وسیله ای، از جمله با اعمال خشونت، بر خلق های کرهء زمین تحمیل کنند.

طی سال های ۱۹۹۰، سازمان ملل متحد اقدام به برپایی يك سلسله کنفرانس های جهانی کرد که برخی از مسائل مهم عصر ما (از جمله «فقر»، جمعیت، کودکان، زنان، محیط زیست) را مطرح نمود و روش نوینی را به کار برد؛ بدین ترتیب که همزمان با کنفرانس رسمی (به نمایندگی دولت ها)، کنفرانسی نیز از نمایندگان جامعهء «مدنی» برگزار شود. روی هم رفته، دستگاه حاکمهء مسلط - یعنی دستگاه حاکمهء ایالات متحده با همکاری بانک جهانی (که نقش وزارت تبلیغات گروه هفت کشور صنعتی را بر عهده داشت) و نیز همکاری دستگاه اداری ملل متحد - تا کنون توانسته بود از طریق تأمین کمک های مالی و اعمال نفوذ در اغلب سازمان های غیر دولتی (NGO) که به حد کافی ضعیف و ساده لوح بودند - و این، حد اقل چیزی که در مورد مقاصد آن ها می توان گفت - زبان و بیانشان کنترل شود و اینکه این سازمان ها خود را در چارچوب پیشنهادهای نظام مسلط محبوس کنند و اعتراضات و خواست های خلق هایی که این سازمان ها قاعداً نمایندگی آنان را بر عهده دارند باطل و ملغی گردد.

کنفرانس دوربان - که آخرین اجلاس این سلسله کنفرانس ها در بارهء نژاد پرستی بود - به همین صورت تدارك شده بود. خواسته بودند اعتراض علیه «نژاد پرستی» و کلیهء دیگر اشکال تبعیض را چنان برگزار کنند که به صورت تظاهراتی بی خطر درآید. بدین معنا که همهء شرکت کنندگان، دولت ها و سازمان های غیر دولتی علناً آهنگ توبه و

پشیمانی را بنوازند و از ادامه این «آثار» تبعیض که «خلق های بومی» و «نژادهای غیر سفید» (به تعبیر رسمی ایالات متحده not caucasian races) و زنان و «اقلیت های جنسی» قربانی آن هستند، ابراز تأسف کنند. پیشنهادهای بی خطر و بی ضرر با ذهنیت حقوقی شمال آمریکایی آماده و مرتب شده بود، بر این اساس که کافی ست تصمیماتی قانونی اتخاذ شود و مسائل حل گردد. علل اساسی تبعیض های عمده که مستقیماً محصول نابرابری های اجتماعی و بین المللی و زادهء منطق سرمایه داری لیبرال جهانی شده است از طرح اولیهء موضوعات مورد بحث حذف شده بود.

این استراتژی واشنگتن و همدستان آن، با مشارکت انبوه سازمان های آفریقایی و آسیایی که مصمم بودند مسائل حقیقی را مطرح کنند به شکست کشانده شد. مسألهء نژاد پرستی و انواع تبعیض را نمی توان معادل مجموعهء رفتارهای ناپسند و غیر قابل قبولی دانست که از سوی بینوایان فلاکت زده ای که قربانیان شرایط عقب ماندگی هستند سر می زند و متأسفانه آن ها را هنوز به تعداد زیاد در بین همهء ملت های روی زمین می توان دید. نژاد پرستی و تبعیض محصول منطق توسعه طلبی سرمایه داری واقعاً موجود به ویژه در شکل به اصطلاح لیبرال آن می باشد که دائماً تولید و بازتولید می شود. اشکال «جهانی شدن» که توسط سرمایهء مسلط و کارگزاران آن (دولت های سه گانه: [آمریکا، آلمان، ژاپن - م.]) به دنیا تحمیل شده نمی تواند چیزی جز «تبعیض در سطح جهانی» تولید کند. من در اینجا به اختصار خط راهبردی (استراتژیک) مسلط را که توسط سازمان های آفریقایی و آسیایی حاضر در دوربان تصویب شد، می آورم: دولت های هفت کشور بزرگ صنعتی که بوی خطر از طریق بحث های کمیتهء تدارک به مشامشان رسیده بود تصمیم گرفته بودند که کنفرانس را تحریم کنند و آن را از پیش به «شکست» بکشانند.

سازمان های آفریقایی- آسیایی خوب مقاومت کردند. آن ها در چارچوب استراتژی ای که در پیش گرفته بودند بحث در بارهء دو مسأله را که دیپلوماسی غرب مایل نبود به آن گوش دهد بدو تحمیل کردند.

مسألهء نخست مربوط بود به آنچه اصطلاحاً «گرامت» می گویند و به زیان هایی برمیکرد که از داد و ستد بردگان حاصل شده است. این واژه را من از این رو در گیومه گذاشتم که وقتی پروندهء پیشنهاد های مربوط به این مطلب به کنفرانس رسید تازه معلوم شد که چه شکاف عمیقی بین نمایندگی های مختلف وجود داشته است. از همان آغاز،

دیپلمات‌های آمریکایی و اروپایی دست به خرابکاری زده و با نگاه از بالا و حالتی تحقیر آمیز، غرامت را به «مبلغی پول» - که چنانکه می‌دانیم - این «گدایان حرفه‌ای» ادعا می‌کنند تقلیل دادند. آفریقایی‌ها چنین درکی از مسأله نداشتند. مسأله بر سر «پول» نیست، بلکه به رسمیت شناختن این حقیقت است که استعمار، امپریالیسم و برده‌داری که به آن‌ها اضافه شده بیشترین حد از مسؤولیت را به عهده دارند، و همین‌طور مسؤولیت «توسعه نیافتگی» قاره و نژادپرستی را. همین سخنان بود که نمایندگان قدرت‌های غربی را منفجر کرد.

مسأله دوم مربوط بود به رفتار دولت اسرائیل. آفریقایی‌ها و آسیایی‌ها در این باره موضعی دقیق و روشن داشتند: ادامه استعمار سرزمین‌های اشغالی توسط اسرائیل، اخراج فلسطینی‌ها به نفع مهاجران یهودی (که خود «پاکسازی قومی» ست و در عمل غیر قابل انکار) و طرح «بانتوستان کردن» فلسطین (یعنی تبدیل آن به گتوهای مجزا از یکدیگر] و گفتنی ست که استراتژی اسرائیل در این مورد مستقیماً حتی در جزئیات خود از روش‌های تبعیض نژادی آفریقای جنوبی سابق الهام می‌گیرد) چیزی نیست جز فصل پایانی این تاریخ طولانی امپریالیسم، که الزاماً «نژاد پرستانه» است.

کناره‌گیری ارباب آمریکایی و متحد اسرائیلی‌اش از کنفرانس چراغ سبزی برای اقدام به خرابکاری بود. نمایندگی‌های اروپایی که از این پس در سطحی بسیار پایین‌تر از سلسله مراتب سیاسی شان بودند باقی ماندند، اما همان‌گونه که می‌دانیم هر نوع فشاری را که در توانشان بود به کار بردند تا نمایندگان سازمان‌هایی را که شکننده تلقی می‌کردند گمراه کرده با خود همراه سازند و برای وارد آوردن فشار از هیچ وسیله‌ای دریغ نکردند (حتی پیشنهاد پول: «چقدر می‌خواهید؟» این را افراد متعددی که با آن‌ها «تماس» گرفته شده بود گزارش کردند).

این شیوه‌ها در سطح کنفرانس رسمی و قطعنامه‌های تصویب شده توسط اکثریت نتایجی به بار آورد، و باعث تحت الشعاع قرار گرفتن پیشنهادهایی شد که آفریقایی‌ها و آسیایی‌ها ارائه کرده بودند. اما نکته حائز اهمیت که باقی می‌ماند و پیروزی کنفرانس دوربان را نشان می‌دهد این است که دولت‌های آسیایی و آفریقایی خودشان در برابر این عقیده که باید به هر حال، نماینده مردم خویش باشند بی تفاوت نبودند، مضافاً بر اینکه از تفرعن دیپلمات‌های غربی به شدت رنجیده بودند.

نسیم باندونگ بار دیگر وزیدن گرفته است. کنفرانس باندونگ در ۱۹۵۵ بنیانگذار

همبستگی آفریقا - آسیا و جنبش غیر متعهدها (که امروز در برابر جهانی شدن لیبرالی تعهدی ندارند) نخستین دوران آزادی های ملی را افتتاح کرد و راه را بر تحول جهان گشود. نظام های برآمده از این دوران نخست که در آن آزادی خلق های قربانی امپریالیسم را شاهد بودیم، هر محدودیتی که داشته و هر توهمی که برانگیخته باشند (چیزی که در تاریخ امری عادی ست)، فرسودگی شان راه را برای ضد حمله سرمایه مسلط و گسترش جهانی شدن نوین امپریالیستی باز کرد. هم اکنون شاهد آماده شدن شرایط برای موج دوم از آزادی های نوین هستیم که عرصه های تازه ای را در خواهد نوردید. دوربان یکی از نشانه های آن است. فردا در سازمان تجارت جهانی و جاهای دیگر، این مبارزه بی گمان به اشکال دیگری خود را بیان خواهد کرد.

از آنجا که دوربان تجسم پیروزی خلق ها بود تمام دستگاه های تبلیغاتی هفت کشور صنعتی به کار افتاده اند که تا آن را لکه دار کنند و از بُرد آن بکاهند. بسیار مایه تأسف است که رسانه های گروهی مسلط آن را ندیدند و تأسف بار تر آنکه به بازتولید و بازگردن چیزهایی پرداختند که ایالات متحده و اسرائیل کوشیدند آن را به مردم بیاوراند. منظور مقالاتی ست که یا نویسندگانشان در دوربان نبودند یا آنکه بین کذب محض را تکرار کردند که گویا مسأله بر سر ضدیت با یهودیان بوده است! حال آن که در هیچ يك از متن های کنفرانس دوربان کمترین «آنتی سمیتیسیم» وجود ندارد. وقت آن فرا رسیده است که به این شانتاژ و باج خواهی دائم که مانع از هر انتقاد لازم از سیاست دولت اسرائیل است، تن در ندهیم.

دوربان همراه با سیاتل، نیس، گوته بورگ، جنوا، پورتو الگره، حلقه ای از زنجیر حوادث مهم عصر ما را تشکیل می دهد. وقت آن فرا رسیده است کلیه کسانی که راهبرد نولیبرالی جهانی شده سرمایه مسلط را محکوم می کنند بدانند که مبارزه ای مشترک را به پیش می برند و اینکه مبارزه خلق های جنوب با امپریالیسم و هژمونی طلبی ایالات متحده، از مبارزه قربانیانی که در کشورهای سرمایه داری توسعه یافته در برابر بیعدالتی سر به شورش بر می دارند اهمیت کمتری ندارد. حال که اهداف نمادینی چون مرکز مالی نیویورک و پنتاگون مورد حمله قرار گرفته باید فهمید که جبهه ای متحد علیه تروریسم بدون وجود جبهه ای متحد علیه بیعدالتی بین المللی و بی عدالتی اجتماعی امکان پذیر نیست.

ترجمه تراب حق شناس

\* سمیر امین، نظریه پرداز اقتصادی و مسؤول فوروم جهان سوم، برای اطلاع بیشتر در باره او و آثارش مراجعه شود به جلد دوم از «کنگره بین المللی مارکس». گزارش فوق را مؤلف در «کنگره سوم بین المللی مارکس» منعقد در ۲۶ تا ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۱ در پاریس، دانشگاه پاریس ۱۰ (نانتتر) قرائت کرده است.

\* \* منتشر شده در آرش، چاپ پاریس، شماره ۸۰.